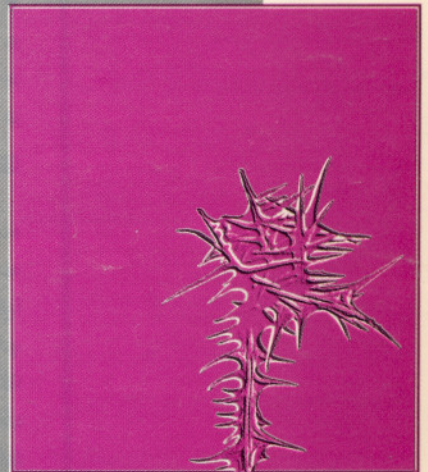


بهارستان ماهنامه فرهنگی، ادبی، هنری کرمانشاه

سواد آموزی فرآیندی بویا - آشنایی با انجمن‌های نجوم و پژوهشگران جوان کرمانشاه
هشیلان مرداب ماران - یادی از ادبا و اندیشمندان دیار - اکتاویوپاز شاعر فراسوی واژه‌ها
مقدمه‌ای بر شناخت مقوله طنز و کمدی و ...
آثاری از آنتوان جخوف - شهریار - رشید یاسمی - تمکین - کزازی - غلام حسین لطفی و ...





ماهنامه بهارستان / شماره دوم / سال اول
بهاء ۲۰۰ تومان

در این شماره می‌خوانیم

- یادداشت / ۴
- روز جهانی سواد آموزی / ۵
- آشنایی با انجمن‌های نجوم و پژوهشگران جوان کرمانشاه / ۶
- وظیفه دانشگاه چیست / ۷
- نگاهی به زندگی و آثار ابوحنیفه دینوری / ۸
- گفتگو / ۱۱
- هشیلان، مرداب ماران / ۱۳
- یادی از ادبا و اندیشمندان دیار / ۲۱
- اکتاویویاز، شاعر فراسوی واژه‌ها / ۲۳
- مقدمه‌ای بر شناخت مقوله طنز و کمدی (بخش دوم) / ۲۵
- شعر، آثاری از رشید یاسمی، تمکین و شهریار / ۳۱
- نیلوفرهای فراموش شده / ۳۴
- داستان (خلایقیت هنری) / ۳۵
- دخترکان کبریت فروش / ۳۸
- گزارش سالانه سازمان ملل / ۳۸
- مهاجرت و حاشیه نشینی در کرمانشاه / ۳۹
- فشرده‌ای در باب کار و مادران / ۴۵
- متافیزیک زبان / ۴۷

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: زهره کلهرنیا

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیروس کوهستانی، آرش کوثری

لیتوگرافی: پرتوگراف، تفضلی

چاپ: تفضلی

نشانی: کرمانشاه صندوق پستی ۴۱۹۷-۶۷۱۶۵

دفتر مجله: چهارراه هلال احمر کوی زند پلاک ۱۸

تلفن: ۷۸۹۰۸۷

تلفن قبول آگهی: ۷۷۲۳۹۰

□ آرا نویسندگان آثار و مقالات، لزوماً دیدگاه

گردانندگان بهارستان نمی‌باشد.

□ حق اشتراک و کمک‌های نقدی خود را به حساب

شماره ۱۳۳۰ نزد بانک تجارت شعبه نفت کرمانشاه

به نام ماهنامه بهارستان واریز نموده و فیش مربوطه را

به نشانی مجله ارسال فرمایید.

از محقق تا مقلد فرقه‌است

که این چو داودست و آن دیگر صداست

منبع گفتار این سوزی بود

و آن مقلد کهنه‌آموزی بود

دانشگاه‌های ما باید خود به ابداع و نوآوری بپردازند. دانشگاه‌ها را نباید گرفتار بلایی کرد که طاعون اندیشه است. بلای قالبی اندیشیدن، قالبی گفتن و قالبی نوشتن. دانشگاه جامعه دانشمندان است و باید کانون علم و تحقیق باشد و اصلاً ضرورتی ندارد که چراغ بدست گرد جهان براه افتاد و برای دانشگاه وظیفه تعیین کرد. وظیفه اصلی آن اهتمام در گسترش مرزهای دانش و اعتلای علمی کشور و بلکه بشریت است. تأسف‌بار اینکه به دلیل عدم تکنولوژی مناسب، تولید ناخالص ملی کشورهای اسلامی، از کشور فرانسه به تنهایی کمتر است. و برای اینکه بدانیم این کشورها در تولید و اشاعه علم چه سهمی دارند کافی است نشریات معتبر جهان را ورق بزنیم و به این حقیقت تلخ برسیم که در میان همه مقالات چاپ شده در جهان، کمتر از دو درصد آن توسط دانشمندان جهان سومی نگارش می‌شود. عقب‌ماندگی از علم و تکنولوژی، حاصلی جز دریوزگی از اجانب در بر نخواهد داشت. بدون تردید آموزش عالی ما، دارای محققان و دانشمندان برجسته و کم‌نظیری است که با ایجاد آرامش و فرصت و فراهم نمودن حداقل امکانات می‌توانند در آسمان علم و دانش بدرخشند. ما باید به افقهای دورتری چشم بدوزیم و با تکیه بر ایمان این استعدادها و انسانیهای هوشمند، در اداره امور جهان، نقش درخور و شایسته مکتب جهانی اسلام، ایفا کنیم که در شرایط زندگی امروزی قانون تخلف‌ناپذیری حاکم است: ملتی که برای هوش تربیت شده، اهمیت قائل نباشد، محکوم به فناست.

★ ★ ★

نگاهی به زندگی و آثار ابوحنیفه دینوری

محمد باقری

در قرن سوم هجری در سرزمینهای وسیع و یکپارچه حکومت اسلامی که از اسپانیا تا چین گسترش داشت، نهضت علمی درخشانی پدیدار شد که تا قرن پنجم هجری ادامه یافت. در این دوره که اغلب از آن به عنوان دوره طلایی علوم اسلامی یاد می‌شود، دانشمندان بسیاری در پزشکی، ریاضیات، نجوم و سایر رشته‌ها ظهور کردند. این دانشمندان میراث علمی یونان و ایران و هند را جذب و حفظ و منتقل کردند و خود نیز در این میان، بسیار بدان افزودند. نقش ایرانیان در این نهضت علمی بسیار چشمگیر بود. از آنجا که زبان مشترک علمی پیوند دهنده دانشمندان قلمرو وسیع حکومت اسلامی عربی بود، دانشمندان ایرانی نیز آثار خود را به عربی می‌نوشتند. از این رو اغلب در منابع غربی آنها را به غلط عرب دانسته‌اند.

اکنون که در نیمه اول قرن پانزدهم هجری هستیم بیش از هزار سال از هنگام حیات و فعالیت علمی این دانشمندان دوره طلایی علوم اسلامی می‌گذرد و طی چند دهه اخیر به مناسبت بزرگداشت هزاره برخی از آنان مراسمی برگزار شده است که از این جمله‌اند: ابن سینا، ابوریحان بیرونی، عبدالرحمان صوفی و کوشیار گیلانی.

ابوحنیفه احمد بن داود بن وند دینوری دانشمند برجسته ایرانی در دهه اول قرن سوم هجری در شهر باستانی دینور در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی کرمانشاه متولد شد. وی در بسیاری از علوم زمان خود همچون زبان‌شناسی، تاریخ، گیاه‌شناسی، نجوم و ریاضیات دست داشت و طبق معمول آن روزگار آثار خود را به عربی نوشته است.

دینوری در دینور و اصفهان پرورش یافت و در بصره و کوفه ادب آموخت. عبدالرحمان صوفی اخترشناس نامدار ایرانی نیم قرن پس از درگذشت وی به دینور رفت و در آنجا مردم خانه‌ای را به او نشان دادند که دینوری سالها در آن به رصد می‌پرداخته است. تاریخ درگذشت دینوری سال ۲۸۲ هجری قمری بوده است.

از شهر دینور که زادگاه ابوحنیفه دینوری بوده اکنون جز

ویرانه‌ای به جا نمانده است. در حال حاضر نام دینور به دهستانی از توابع صحنه اطلاق می‌شود. رود دینور از این دهستان و از تنگ دینور می‌گذرد و نزدیک بیستون به رود گاماسیاب می‌پیوندد که در ادامه‌اش سیمره و کرخه نامیده می‌شود و به باتلاقهای نزدیک مرز ایران و عراق می‌ریزد.

دینور در دوره سلوکیان یا پیش از آن به وجود آمد. در این شهر نیز مانند کنگاور زمانی مهاجرنشین یونانی دایر بوده است. طی حفاریهایی که در دینور انجام شده حوضچه‌ای سنگی یافته‌اند تزئین شده با مجسمه‌هایی که در آیین یونانی پرستندگان دیونوسوس خدای بارآوری و شراب مقدس بوده و از اینجا می‌توان احتمال داد که پرستش دیونوسوس به وسیله یونانیان به این محل راه یافته بوده است. دینور که زمانی شهر آباد و معتبری بود بلافاصله پس از جنگ نهاوند به اعراب مسلمان تسلیم شد. در زمان معاویه نام آن به «ماه الکوفه» تبدیل شد. در مورد معنی این کلمه ماه نظرات گوناگونی وجود دارد و محتمل‌ترین آنها این است که ماه همان ماد نام قومی باستانی باشد که نخستین سلسله حکومتی را در غرب ایران تأسیس کردند و دینور را از آن رو «ماه الکوفه» نامیدند که مالیات دریافت شده از آنجا برای شهر کوفه مصرف می‌شد، همچنان که نهاوند به دلیل مشابهی «ماه البصره» خوانده می‌شد.

در دوره امویان و عباسیان دینور بسیار آباد بود. در سال ۲۱۹ هجری قمری مرداویج آن را تصرف کرد. به دنبال این حادثه ویرانیهای زیادی در دینور به بار آمد و هزاران نفر از مردم آن از میان رفتند. بعدها حسنویه از امرای گُرد این ناحیه، دولت مستقلی تشکیل داد که پایتخت آن دینور بود. این شهر در اواخر قرن هشتم هجری به دست تیمور گورکانی، کاملاً ویران شد.

اکنون به معرفی برخی از آثار ریاضی و نجومی دینوری می‌پردازیم. دینوری کتابی به نام «کتاب البحت فی حساب الهند» نوشته که چنان که از نامش بر می‌آید درباره حساب هندی است. حساب هندی که به وسیله هندیان ابداع و پرورده شد، از قرن سوم هجری برای نوشتن اعداد و انجام عملیات حساب در قلمرو فرهنگ اسلامی رواج یافت.

این روش از طریق دانشمندان اسلامی به اروپا برده شد و امروزه در سراسر جهان رواج و اعتبار خود را حفظ کرده است. اروپائیان که این شیوه عدد نویسی و محاسبه را از دانشمندان عربی‌نویس فرا

گرفتند آن را به اعراب نسبت دادند و ارقامی را که امروزه به کار می‌برند ارقام عربی می‌نامند. در قرن سوم هجری دانشمندان ایرانی چندین کتاب درباره حساب هندی نوشتند. ابوموسی خوارزمی در آغاز قرن سوم نخستین کتاب حساب هندی را در ریاضیات اسلامی به نام «الجمع والتفریق» نوشت که اصل عربی آن از بین رفته ولی ترجمه لاتینی آن باقی مانده است. کتاب «اصول حساب الهند» نوشته کوشیار گیلانی و «المقنع فی حساب الهند» اثر «علی ابن حمد نسوی» از کتابهایی هستند که باقی مانده و به دست ما رسیده‌اند. متأسفانه کتاب البحت فی حساب الهند دینوری به دست ما نرسیده است.

از دیگر کتابهای مهم و معروف او «کتاب الانواء» است. عبدالرحمن صوفی درباره این کتاب گفته است: «و هر چند ما در علم انواء بسیار کتاب دیده‌ایم اما تمامترین و کاملترین آن کتابها که در این فن دیده‌ایم کتاب ابوحنیفه دینوری است.» با این حال صوفی به دنبال این گفته از دینوری انتقاد می‌کند که چرا مطالب نادرستی را از نویسندگان عرب عیناً نقل کرده و می‌گوید «اگر او نیز که ابوحنیفه است آن کواکب را شناخته بودی، آن خطایا به اسناد ایشان نیاوردی.» کتاب الانواء درباره انواء است و انواء جمع نوء است. برای توضیح این مفهوم نجومی باید بگوییم که اعراب همانند چینیان و هندوان برای ماه نیز منطقه البروجی قائل بودند. ماه تقریباً در ۲۸ روز یک دور کامل را در زمینه ستارگان ثابت طی می‌کند و به عبارت دیگر در هر شبانه روز حدود ۱۲ درجه در زمینه ستارگان به سمت شرق حرکت می‌کند. اعراب ۲۸ مجموعه از ستارگان نزدیک به دایره البروج را به عنوان منازل ۲۸ گانه ماه یا منازل القمر مشخص کرده بودند که هر کدام نام خاصی داشت. چنان که گفته شد مفهوم منازل قمر تنها در آثار نجومی اعراب، هندوان و چینیان وجود داشت. در نجوم بابلیان آشوریان و یونانیان به این مفهوم برنمی‌خوریم و مثلاً در آثار بطلمیوس اشاره‌ای به آن نشده‌است. منظور از نوء منزلی از قمر است که در لحظه طلوع آفتاب در حال فرو رفتن در افق مغرب باشد. بدیهی است که این امر بستگی دارد به اینکه در چه مقطعی از سال باشیم و چون خورشید ۱۲ درجه را در ۱۲ روز طی می‌کند مدت هر نوء ۱۲ روز است. اعراب به انواء مذکور یادها و بارانهایی را نسبت می‌دادند و حتی گاهی نوء را به معنی باران موسمی هم به کار می‌بردند. این کلمه نوء در ترجمه‌هایی که جرارد دوی کرمونایی در قرن ششم هجری از عربی به لاتین انجام داده به صورت Alhanche در آمده که لاتینی

شده الانواء است. همچنین در ترجمه‌هایی که از آثار یونانی به عربی انجام شده کلمه یونانی اپسیماسیا به نوبه برگردانده شده است. واژه اپسیماسیا در آثار حکمای یونان به معنی دلالت حوادث جوی آینده است که البته با معنی اصلی نوبه در نزد اعراب هم ارز نیست.

اثر معروف دیگر دینوری، زیج اوست. زیج نام عمومی کتابهایی است که در زمینه نجوم و داده‌های نجومی حاصل از رصد تألیف می‌شد. این کتابها معمولاً شامل اطلاعاتی کلی در باره میدانهای تاریخی، تقویمها و جشنهای اقوام و ادیان مختلف و تعریف مفهومها و فرمولهای نجومی بود همراه با جدولهای مثلثاتی و جدولهایی برای ثبت اطلاعات مربوط به موقعیت و حرکت ماه و خورشید و سیارات. علاوه بر اینها در اغلب زیجها جدولهای جغرافیایی برای بیان طول و عرض جغرافیایی شهرهای مختلف و جدولهای ستارگان برای بیان مختصات آسمانی و گاهی نیز قدر آنها آورده می‌شد. در پایان زیجها عموماً مطالبی درباره احکام نجوم یا پیشگویی‌های مبتنی بر وضعیت ستارگان و سیارات وجود داشت. از زیج دینوری نیز نسخه‌ای باقی نمانده است.

کتاب تاریخ دینوری به نام اخبارالطوال تنها اثر اوست که به طور کامل باقی مانده است. متن این کتاب در سال ۱۸۸۸ میلادی در هلند چاپ شد. در این اثر دینوری حوادث تاریخی را از دیدگاه ایرانی بررسی کرده و این شاید نه به خاطر ضد عرب بودن بلکه مربوط به منابع مورد دسترس وی بوده است.

کتاب گیاهشناسی دینوری به نام کتاب النبات نیز به خاطر دقت و اصالتی که داشته از اهمیت زیادی برخوردار بوده است زیرا دینوری شخصاً به مشاهده و شناسایی گیاهان مورد مطالعه می‌پرداخت. از این کتاب تنها فصلهای سوم و پنجم باقی مانده که به چاپ رسیده است.

می‌بینیم که دینوری براساسی از شمار آن دسته دانشمندان بود که در علوم گوناگون عصر خود مطالعه می‌کرد و کتاب می‌نوشت و بسیار پر کار بود. سخن کوتاه می‌کنیم و به ذکر نام پاره‌ای از سایر آثار او می‌پردازیم: الجبر والمقابله، الجمع و التفریق، کتاب فی حساب الخطائین، حساب‌الدور، کتاب الرد علی‌رسدالاصیبهانی، القبلة و الزوال جواهرالعلم، تفسیر قرآن و کتاب الشعر و الشعرا.

ویرانه‌های شهر باستانی دینور در سال ۱۹۰۵ میلادی یعنی ۸۷ سال پیش مورد بازدید پژوهشگری به نام تئودور اشتراوس قرار

گرفت. وی می‌نویسد: «در محل شهر باستانی دینور تنها قلعه‌های خاکی دیده می‌شود که بارها و بارها به قصد یافتن سکه‌های قدیمی زیرورو شده‌اند و هنوز نیز روستائیان هنگام شخم زدن زمینهایشان اشیایی پیدا می‌کنند.» اشتراوس همچنین به آثار یک جاده باستانی در تنگ دینور اشاره می‌کند که احتمالاً دینور را به بغداد متصل می‌کرده است.

شاید هنوز بسیار سکه‌های گرانبها و اشیای عتیقه در دل خاکهای دینور ویران نهفته باشد که قرن‌ها چشم انتظار تیغه خیش روستایی یا بیل خاری کاوشگران مانده و معلوم نیست که پژوهشگران را به کار آید یا ثروت دلالت آثار عتیقه را بیفزاید. اما میراث معنوی دانشمندان این مرز و بوم که ابوحنیفه دینوری نیز یکی از آنهاست. گنج شایگانی است که از آن غافل مانده‌ایم و بی‌گمان روزی که قدر آنچه خود داشته‌ایم بدانیم، روز بلوغ معنوی و فرهنگی ماست. روزی است که دانش و فرهنگ ارج و اعتبار فرو کاسته خود را باز یافته است.